

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موتيو موج درغزليات بيدل دهلوی

مؤلف:

مرسيه مہرا بی



انتشارات سنکر

سرشناسه	: سهرابی، مرضیه : ۱۳۵۴
عنوان قراردادی	: غزلیات برگزیده. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: موتیو موج در غزلیات بیدل دهلوی / تألیف : مرضیه سهرابی ؛ ویراستار علمی : ناصر کاظم خانلو
مشخصات نشر	: همدان، انتشارات سکر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۱ص
شابک	: 978-600-7538-58-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق، ۱۰۵۴-۱۱۳۳ ق. غزلیات - نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۲ ق - تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 18th century -- History and criticism
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۲ ق - تاریخ و نقد
موضوع	: Ghazals, Persian -- 18th century -- History and criticism
موضوع	: تصویرسازی
موضوع	: Imagery
شناسه افزوده	: کاظم خانلو، ناصر، ۱۳۵۸- ویراستار
شناسه افزوده	: بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق، ۱۰۵۴-۱۱۳۳ ق. غزلیات. شرح
رده‌بندی کنگره	: ۹۱۳۹۵ م ۹ س ۶۵۴ PIR
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۴/۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۸۶۳۲۷

موتیو موج در غزلیات بیدل

مؤلف: مرضیه سهرابی

ویراستار علمی: ناصر کاظم خانلو

ناشر: انتشارات سکر



چاپ و صحافی: سرافراز

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵
شابک: 978-600-7538-58-6
صفحه آرای: لیلا عوافی اکمل
تیراژ: ۱۰۰۰
بها: ۲۱۵۰۰۰ ریال
«تمامی حقوق برای ناشر و مؤلفان محفوظ است»

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه:

۵	«شرح حال بیدل»
۱۵	«موتیو چیست؟»

فصل اول: بررسی موج از نظر تصویرسازی و زیباشناسی در غزل‌های بیدل

۲۳	بخش اول: «موج و شبکه تداعی با دیگر عناصر دریا»
۴۷	بخش دوم: تصویر موج در تداعی با مضامین و عناصر گوناگون
۵۹	بخش سوم: تصویر در ترکیبات موج
۷۳	بخش چهارم: «نقد و تحلیل تصاویر موج در غزلیات بیدل»
۸۱	بخش پنجم: «ردیف موج»

فصل دوم: بررسی معانی نمادین موج در غزل‌های بیدل

بخش اول: موج نماد وحدت.....	۹۳
«وحدت وجود».....	۹۳
وحدت وجود از دیدگاه بیدل.....	۹۸
فنا و اتحاد با الوهیت.....	۱۰۳
«فناى موج و اتحاد او با دریا».....	۱۰۹
«وحدت دج و دریا از راه ارتباط با اسما و صفات الهی».....	۱۱۵
بخش دوم: موج نماد کثرت.....	۱۲۳
بخش سوم: «موج نماد تک».....	۱۳۱
- ویژگی‌های راه.....	۱۳۲
- ویژگی‌های سالک.....	۱۳۳
- چگونگی سلوک موج در رسیدن به مقصود.....	۱۳۶
- گزارش سفر موج.....	۱۳۷
- توصیه‌های بیدل برای پیمودن طریق دشوار الی الله.....	۱۳۸
- غایت سلوک موج.....	۱۴۲
بخش چهارم: «موج نماد انسان».....	۱۴۷
بخش پنجم: «موج نماد حیرت».....	۱۵۳
منابع و مآخذ.....	۱۵۹

«شرح حال بیدل»

«میرزا عبدالقادر بیدل، فرزند عبدالخالق، از عشیره جغتایی ارلاس و دوده سپاهی، در سال ۱۰۵۴ هجری قمری برابر با ۱۶۴۴ میلادی، در محله پتن دیوی شهر پتنه، یا پتلی پترای قدیم (مرکز ایالت بهار) دیده به جهان گشود.»

«عبدالخالق، پدر بیدل، سربازی متمول بود، اما خیلی زود به ساز و برگ جهان پشت پا زد و زندگی صوفیانه برگزید. وی به وسیله مولانا کمال که یک شخص روحانی بود، به مشرب قادریه -منسوب به شیخ عبدالقادر گیلانی- گروید.» «عبدالقادر اسمی بود که پدر بیدل به ساقیه ارادت و اخلاص به تمام روحانی شیخ عبدالقادر گیلانی، بر پسر نهاد و ابوالقاسم ترمذی، ستاره شناس روشن بین، واژگان «فیض قدس» و «انتخاب» را ماده تاریخ ولادت شاعر گفت.

بیدل پنج سال داشت که سایه پدرش از سر رفت. مادر او را به مکتب خانه فرستاد. طی هفت ماه، نوشت و خوان را فراگرفت، و پس از سالی، قرائت قرآن پاک را به پایان برد و در پی تحصیل صرف و نحو عربی و دانش و نش پرسی افتاد.^۱

بیدل در دهلی

«هنگام رسیدن بیدل به دهلی، به نظر می‌رسد صائب اصفهانی به ایران رفته بود، غنی کشمیری زنده بود اما در زادگاه خویش به سر می‌برد، فضل سرخوش و ناصرعلی سرهندی در پایتخت به سر می‌بردند. انگار بیدل در دهلی با طرز تازه شاعری روبه‌رو شد. از مقدمه‌ای که شاعر بر مثنوی «محیط اعظم» خویش نگاشته است، وانمود می‌کند که بیدل آثار شاعران هم‌روزگار خویش را مطالعه می‌کرده است.

در همین اثر، شاعر از چندین سخنور دوره بابر، جهانگیر، شاه جهان و اورنگ‌زیب نام گرفته است، در زمره آنان از ظهوری، هلالی، زلالی، سالک، طالب، صامت، شید، سلیم و صائب؛ اما بیدل از مراوده خویش با شاعران معاصر به ویژه تازه‌گویان، ذکری به میان نیاورده است. بیدل در مقدمه محیط اعظم به نبوغ صائب اعتراف کرده است!»

«۱۰۷۹ هجری قمری، سال ازدواج بیدل است. وی پس از ازدواج بود که در دهلی اقامت گزید و پس از آن به جستجوی کسب معاش برآمد. در خدمت شاهزاده اعظم شاه، پسر

اورنگزیب، پیوست و پیشه سپاهی‌گری را تجدید کرد. انگار در نظر داشت موازنه‌ای میان کار روحی و فعالیت جسمی ایجاد کند.»

«در دهلی بود که بیدل برای سومین بار باشاه کابلی، وارسته‌ای گمنام، دیدار کرد. شاه کابلی شاعر را به یک راز خانوادگی آشنا کرد، یعنی این‌که وی هرگز صاحب فرزندی نخواهد شد. به رغم پیشگویی شاه، بیدل در ۶۳ سالگی صاحب فرزندی شد، اما این دولت مستعجل بود. کودک بیش از ۴ سال زنده نماند. مرگ فرزند، شاعر را در نومی‌دی جانکاه فرو برد. مرثیه زیر برای همین عزیز ازدست‌رفته است:

کاشوب قیامت به جان رفت	هی‌هات چه برق پر فشان رفت
طفلم زین کهنه خاک‌دان رفت	گر تابی خود و کس توان رفت

بازی بازی به آسمان رفت»

«بیدل در اواخر محرم سال ۱۳۳۰ ه.ق) به تب محرقه دچار شد و پنج شنبه، چهارم صفر (۱۳۳۱ ه.ق) به سرای باقی شتاب و صحن منزل خویش به خاک سپرده شد. وقتی جنازه شاعر را برمی‌داشتند، از زیر بالینش یک رباعی و یک غزل به خط شاعر به دست آمد. رباعی چنین است:

بیدل کلف سیاه پوشی نشوی	تشبیش گلوی نوحه گوش‌ی نشوی
بر خاک بمیر هم‌چنان رو بر باد	مراحت یک است بار دوش‌ی نشوی

میرعبدالعلی عزلت، شاعر سرشناس در بیستم جمادی الاول سال ۱۳۶۰ ه.ق) به شاه جهان آباد آمد تا در مراسم عرس بیدل که همه ساله در چهارم صفر، بر مزار او برگزار می‌شد، اشتراک ورزد. حسب معمول، اغلب شاعران شاه جهان‌آباد، در مراسم مورخ‌تر گرد آمده بودند. عزلت خواست این نکته را بداند که بیدل از آمدن او آگاه است یا خیر، وی کلیات شاعر را گشود و مطلع زیر را در صفحه اول یافت:

چه مقدار خون در عدم خورده باشم	که بر خاکم آیی و من مرده باشم
--------------------------------	-------------------------------